

دولت و جامعه شیعی صفوی در سفرنامه برادران شرلی

دکتر علی اکبر جعفری*

چکیده

تاسیس دولت صفویه و رسمیت دادن به مذهب تشیع در ایران، همان گونه که تقابل و دشمنی دولت عثمانی را به همراه داشت، حساسیت و کنجکاوی دولت های اروپایی را برانگیخت. اروپاییان، به ویژه محافل مسیحیت اروپایی، به منظور مقابله با دولت عثمانی، با اعزام نمایندگانی در پوشش های مختلف، تلاش نمودند تا سد راه دولت مقتدر عثمانی شوند. اما در این راه، تلاش گسترده ای برای آشنایی با فرهنگ شیعی به منظور کارهای سودجویانه خویش نیز انجام دادند. این تلاش ها که امروزه و عموماً در قالب «شرق شناسی» دسته بندی می شوند، بیان گر واقعیتی است که بیش از چهارصد سال از شروع آنها می گذرد. نکته مهم در این فرایند، بررسی علل و تحلیل نتایج حاصل از این تلاش هاست که به گزارش های جهان گردان اروپایی بر می گردد. علاوه بر این نکته، استخراج نکاتی از گزارش های این دسته از اروپاییان که در آنها می توان به واقعیت هایی از فرهنگ و اعتقادات صحیح و مرسوم در جامعه شیعی پی برد، از مطالب ارزش مندی است که با استفاده از آنها، می توان خط بطلانی بر نوشته های دیگر شرق شناسان کشید. این مقاله، با بررسی *سفرنامه برادران شرلی*، در پی آن است تا موضع دو تن از نخستین جهان گردان اروپایی که مدتی را در ایران زیسته اند. بررسی این مسأله، به ویژه از آن جهت که بسیاری از آداب و اعتقادات صحیح و مرسوم ایران دوره صفویه را بیان می کند، از جای گاه ویژه ای برخوردار است که از آن برای مقایسه و نقد دیدگاه های دیگر اروپاییان در آن زمان می توان استفاده کرد.

واژگان کلیدی

تشیع، شرق شناسان، دولت صفوی، جامعه شیعی، برادران شرلی.

* استاد یار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

مقدمه

پدیده شرق‌شناسی و اعزام افراد با انگیزه و اهداف مختلف، به منظور شناسایی مشرق‌زمین، یک مقوله با چندین معناست. برخلاف معنای ظاهری «شرق‌شناسی و مستشرقین» که فرآیندی جز یک سنت دیرینه در تاریخ بشری نیست و به ویژه دین مبین اسلام که شرق و غرب‌شناسی (سیر فی الارض)، را یک راه روشن و استدلال محکم در معرفت‌شناسی یاد می‌کند، معنای اصلاحی و کاربردی این واژگان، گفتمانی است که غرب با کاربرد آن، تلاش نموده تا با اعتباربخشی به خود و هویت‌یابی از طریق آن، خود را عنصری همیشه برتر در برابر مشرق‌زمین معرفی نماید. در این فرآیند، غرب در تقابل با شرق، از روز ازل برتر محسوب می‌شده و این انسان شرقی، همواره در فاصله منهای بی‌نهایت تا صفر، در تکاپو بوده است و هیچ‌گاه نتوانسته و نخواهد توانست خود را به غرب تمایز یافته بر اساس این تعریف برساند. تأمل در این واژگان، گویای این واقعیت است که شرق‌شناسی که در نیمه دوم هزاره دوم میلادی، پا به راه گذاشته و روزگاری در سرزمین‌های مشرق طی کرده‌اند، آمده‌اند تا حد توان، زمینه‌های تضعیف این اندیشه را فراهم و بازشناسی نمایند و راه تقابل با آن را باز یابند.

در این فرآیند، شناسایی و مقابله با فرهنگ اسلامی که مهد آن در مشرق‌زمین بود، به دلایل مختلف، اهمیت و اعتبار بیشتری دارد. هم زمینه‌های تاریخی ناکامی آنها در جنگ‌های صلیبی و راهی برای جبران آن و هم خوان نعمت گسترده در سرزمین‌های اسلامی و پتانسیل قوی انسانی، فرهنگی و اقتصادی این نواحی، ایجاب می‌کرد تا بازشناسی و مقابله با آن، با جدیت بیشتری پی‌گیری شود. از این میان، مقابله با فرهنگ تشیع که مذهبی انقلابی علیه ستم و استبداد و استعمار است، در رأس برنامه‌های ارباب کلیسا و سپس دولت‌های اروپایی قرار گرفت. نکته جالب توجه در این میان، اعتراف‌های برخی از مستشرقین به واقعیت‌های جامعه شیعی ایران است که بر تمامی تدابیر و تلاش‌های رهبران این جریان خط بطلان کشید. این مقاله، با استناد به

گزارش‌های *سفرنامه برادران شرلی*، به برخی از این اعتراف‌ها می‌پردازد که اگر بدان‌ها توجه شود، تلاش دیگر مستشرقین در تخریب فرهنگ تشیع و ساختار اجتماعی جامعه شیعی ایران، ناکام باقی می‌ماند.

شرق‌شناسی اروپاییان و توجه به ایران

بررسی و مطالعه زبان، فرهنگ، نژاد، تاریخ، ادبیات و دین مشرق‌زمینی‌ها از نگاه اروپاییان، زمینه مطالعات علمی بود که در دهه دوم قرن چهارم میلادی و با ایجاد کرسی زبان‌شناسی شرقی‌ها شروع شد.^۱ به این تاریخ از دو جهت باید توجه و تأمل کرد: از یک سو، به روزهای پایانی فلسفه کلیسایی «اسکولاستیک» نزدیک است^۲ و از سوی دیگر، نتایج جنگ‌های صلیبی در اروپا، موجب شد تا دیوارهای انزوا و جدایی ملل اروپایی با مشرق‌زمین فرو ریزد. ناکامی اربابان کلیسا در مقید کردن علم و دانش، در حلقه‌ای که آنها مجوزش را صادر کرده بودند، اندیشه تشکیل دانشگاه‌ها و مراکز تعلیمات عالی و به دنبال آن کرسی‌های مطالعاتی در حوزه‌های مختلف و از جمله کرسی زبان‌شناسی شرقی را به هم‌راه داشت. این دانشگاه‌ها در دهه‌های اولیه پیدایش خود، فاقد ابتکار و نوآوری بودند و عمل‌کردشان، گاه تکرار گفته‌های غیرعلمی پیشینیان بود. اما ضرورت شناخت و مقابله با شرق، به ویژه جهان اسلام که موجبات ناکامی اروپاییان را در جنگ‌های صلیبی فراهم کرده بود، موجب شد تا به مرور، انگیزه‌های جدید شکل گیرد و مراحل مختلف اندیشه شرق‌شناسی تکامل یابد. سقوط قسطنطنیه و چالش‌های میان اروپاییان و دولت اسلامی عثمانی این جنبه از اهداف اروپاییان را تشدید کرد. درگیری‌های نظامی و اتحادیه‌هایی از این دست، به منزله برنامه کوتاه‌مدت در مقابله با عثمانی دیده می‌شود، اما کار ریشه‌ای آنها، تشکیلاتی نمودن و نظام‌مند کردن شناسایی مشرق‌زمین و به طور خاص کشورهای اسلامی غرب آسیا بود. بدون فرض ابعاد استعماری و سودجویانه

۱. ادوارد سعید، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۹۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۱.

۲. عزت‌الله نوزری، *اروپا در قرون وسطا*، ص ۲۲۵-۲۲۶، انتشارات نوید، شیراز ۱۳۷۳.

شرق‌شناسی در ابتدای این جریان که با گذشت زمان بیشتر خودنمایی کرد، می‌توان گفت: رنسانس اروپا در حوزه مطالعات شرقی و شرق‌شناسی، بسیار زودتر از دیگر فعالیت‌های عصر رنسانس اروپا شکل گرفت. مرحله جدید شرق‌شناسی، در حالی آغاز شد که توجه به زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی، اهمیت بیشتری داشت و اولویت نخست آنها به‌شمار می‌آمد و به مرور، به تمامی ابعاد زندگی انسان شرقی نیز کشیده شد؛ به گونه‌ای که شکل ساده و ابتدایی، اما کلاسیک آن، با گذشت زمان و در قرن نوزدهم و بیستم، به کلافی پیچیده از اهداف و اغراض و برنامه‌ها و عملیات‌ها تبدیل گشت. تأملی در فرآیند شرق‌شناسی در دوران جدید و نوزایی خود، نشان می‌دهد که با عنایت به ویژگی‌ها و عمل‌کرد و نتایج این امر، آن را می‌توان به سه دوره مجزا تقسیم کرد:

دوره اول: از سال ۱۳۱۳ تا ۱۷۹۸ میلادی؛

دوره دوم: از سال ۱۷۹۸ تا ۱۹۱۷ میلادی، از حمله ناپلئون به مصر تا اعلامیه بالفور در مورد تشکیل دولت یهود؛^۱

دوره سوم: از سال ۱۹۱۷ تا زمان حاضر.

دوره اول که از تصمیم شورای کلیسای وین، مبنی بر ایجاد رشته کرسی‌های زبان عربی در دانشگاه‌های اروپایی آغاز شد، با حمله ناپلئون به مصر و تصرف این سرزمین به پایان رسید. ویژگی‌های شاخص شرق‌شناسی در مرحله اول که موضوع این مقاله نیز در این محدوده سیر می‌کند، عبارتند از:

الف) شکل‌گیری کرسی زبان‌شناسی زبان‌های شرقی در دانشگاه‌های اروپا؛

ب) ترجمه آثار و تدوین مقاله‌ها و کتاب‌ها و نمایش‌نامه‌های با موضوع مشرق زمین؛

ج) استفاده از یافته‌های اولیه این فرآیند در جهت مقابله با مخاطرات مقطعی به منزله یک راه میان‌بر؛

۱. نک: اکرم زعیت، سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، ص ۱۱۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۰.

د) رشد چشم‌گیر مسافرت به مشرق‌زمین به ویژه کشورهای اسلامی، خواه به صورت رسمی و خواه آزاد و بدون زمینه رسمی؛
ه) توجه به ابعاد مختلف زندگی مشرق‌زمینی‌ها به ویژه مسلمانان و استفاده از دانش‌مندان، هنرمندان، ادیبان و پزشکان برای شناسایی بیشتر مشرق‌زمین؛
و) چاپ و انتشار آثار مکتوب و دست‌نوشته‌های مسافران به شرق، به ویژه جهان اسلام که علاوه بر خاطرات و سفرنامه‌ها، تاریخ‌نگاری شخصیت‌ها و وقایع این مناطق و نیز دیوان شعرای این سرزمین‌ها را شامل می‌شد.
علاوه بر این موارد، تراکم محسوس و موج‌فزاینده مأمورانی را شاهد هستیم که با عناوین مختلف، راهی سرزمین‌های آسیایی و به طور خاص غرب آسیا شدند. از جمله آنها، به زعمای کلیسا و هیأت‌های مذهبی، تاجران و بازرگانان و به ویژه علاقه‌مندان به خرید پنبه، ابریشم، جواهرات و سنگ‌های قیمتی، مأموران سیاسی به منظور ایجاد ارتباط و برقراری بین دول و در اوج آن، شیفتگان و علاقه‌مندان خدمت به شرقی‌ها به ویژه به منظور آموزش علوم و فنون نظامی و ساخت سلاح‌های جدید می‌توان اشاره کرد.

تشکیل دولت صفوی با داعیه‌های تشیع در مرزهای شرقی دولت عثمانی این فرآیند را تشدید کرد. رسمیت مذهب تشیع در آغاز تشکیل دولت صفویه، تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد. که قدرت عمده جهان اسلام در قرن شانزدهم میلادی / دهم قمری به وجود آورده بود.^۱ همین مسأله، دست‌آویز جنگ‌های ویران‌گر و طولانی‌مدتی بود که جز مراحل اولیه آن که تا حدودی نقش مسائل مذهبی در آن دیده می‌شود، به غلط مذهبی خوانده شده، در حالی که اساساً ماهیت ملی و سیاسی داشت.^۲ اما نکته مهم این بود که این جنگ‌ها با هر ماهیتی که بوده باشد، زمینه‌ساز توجه و مسافرت اروپاییان به این دو کشور، به ویژه ایران گشت که مهم‌ترین نتیجه این آمد و

۱. راجر سیوری، *ایران عصر صفویه*، ترجمه کامبیز عزیزی، ص ۲۹، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۲.

۲. نک: عبدالحسین نوایی و عباسقلی غفاری‌فرد، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، ص ۲۸۶، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۶.

رفت‌ها، شکل‌دهی و سازمان‌دهی جریان شرقی‌شناسی اروپاییان در این دو کشور شد. شرق‌شناسی اروپاییان در این مرحله در ایران و عثمانی، علاوه بر این‌که زمینه‌های اختلاف‌افکنی بین این دو کشور را فراهم نمود و اروپاییان را از بن‌بست تهاجمات عثمانی به خاک اروپا خارج کرد و تشدید اختلاف میان این دو کشور را موجب شد که از بُعد نظامی در نهایت به نفع اروپا بود، باعث شد تا اروپاییان، شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از جهان اسلام و مسائل آن، به ویژه دین اسلام، نبی‌گرامی اسلام ﷺ، اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه، متون دینی و مذهبی، دسته‌بندی، فرق و انشعابات مذهبی در جهان اسلام و نقاط ضعف و قوت و روزنه‌های آسیب‌پذیری آن، کسب کنند. بنابراین، دو مقوله متفاوت به لحاظ شکل اجرایی آن، در واحدی به نام قلمرو اسلام، به نقطه مشترکی رسید و جریان عثمانی‌ستیزی که مرز مشترک اهداف ایران عصر صفوی و اروپایی قرون جدید بود، به شکل‌دهی به فرآیند شرق‌شناسی با اهداف خاص اروپاییان در ایران و عثمانی انجامید؛ فرآیندی که در پایان این مرحله از عمر خویش، بالا بردن سطح آگاهی اروپاییان از این دو کشور، طراحی دقیق آنها برای چگونگی غلبه فرهنگی، اجتماعی و نظامی بر کشورهای اسلامی و به طور خاص، دست‌اندازی به خاک مصر را موجب شد. بر این اساس، شرق‌شناسی اروپاییان در این مقطع، با استفاده از اختلاف بین ایران و عثمانی، آغاز گشت و به طراحی نقشه و تدوین برنامه برای رسیدن به ثمره فرآیند شرق‌شناسی که استعمار بود، کشیده شد. این نتیجه، زمانی عینی‌تر به نظر می‌رسد که فراموش نکنیم استعمارگران برای تحکیم سلطه خود بر شرق، به ویژه کشورهای اسلامی و آسان‌سازی آن و برای مشروعیت بخشیدن به این عمل خود، به شرق‌شناسی به منزله وسیله راه‌نما نیاز داشتند تا هم راه‌کارهای اعمال سلطه بر آنها را به اروپاییان بیاموزد و هم تصویری از مشرق‌زمین ارایه کند که شرقیان را موجوداتی برای تحت حکومت قرار گرفتن و به واقع برای مستعمره شدن معرفی نماید.^۱

۱. علی اکبر ولایتی، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، ج ۴، ص ۹۹-۱۰۰، انتشارات وزارت امور

شرق‌شناسی در روابط اروپاییان با دولت صفویه

دولت صفویه، علاوه بر نقش مهمی که در تاریخ تشیع در ایران دارد، از نظر سیاسی و جهانی نیز دارای اعتبار ویژه‌ای است. ارتقای ایران از موقعیت منطقه‌ای، به دولتی شاخص در روابط بین‌الملل و جای‌گاهی که ایران در مناسبات جهانی در آغاز قرون جدید پیدا کرد، صرف‌نظر از دلایل و چرایی آن، موجب شد تا دروازه‌های ایران روی اروپاییان گشوده شود و در مقایسه با تمامی دوران تاریخی قبل از خود، از رشد بسیار چشم‌گیری در زمینه ورود جهان‌گردان و مأموران سیاسی اروپایی و هیأت‌های همراه برخوردار گردد. سفرنامه‌هایی که از این آمد و رفت‌ها به یادگار باقی مانده، از نظر کیفیت و کمیت در مقایسه با دوره‌های قبل، برتری دارد. این سفرنامه‌ها، اسناد گویایی از تلاش دقیق اروپاییان برای شناسایی توان‌مندی‌های مردم ایران در ابعاد مختلف است. بی‌گمان دقت و حوصله نویسندگان این سفرنامه‌ها و ثبت و به تصویر کشیدن دیده‌ها و شنیده‌های خود که برخی مواقع به شکل دایره‌المعارفی در آمده‌اند، این واقعیت را نشان می‌دهد که این افراد، برای شناسایی ایران و نقاط قوت و ضعف مردم آن، دارای وظیفه و مأموریت بوده و از هیچ‌کوشش و فرصتی غافل نمانده‌اند.

بنابر تقسیم‌بندی ذکر شده از ادوار شرق‌شناسی، دوره صفویه در دوره اول از ادوار شرق‌شناسی اروپاییان، در تاریخ قرون جدید آنها قرار می‌گیرد. نکته جالب این که در این دوره و به ویژه اوایل آن، ساختار متشکل و نظام منسجمی را برای اروپاییان در شناسایی شرق، نمی‌توان دید و تنها مراکز آموزشی و کرسی‌های مطالعاتی چندی را تشکیل داده بودند، اما هم‌خوانی زیادی بین اهداف و نتایج این گروه از شرق‌شناسی با آنچه بعدها اساس شرق‌شناسی شد، می‌توان دید.

شرق‌شناسی اروپایی که در عصر صفوی از ایران بازدید کردند، اهداف متعددی را در برنامه مسافرت یا مأموریت خود داشتند. مهم‌ترین این اهداف عبارت بودند از:

۱. شناسایی دقیق زبان، فرهنگ و اعتقادات و اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران؛

۲. تلاش برای برقراری ارتباط سیاسی و انعقاد توافق‌نامه یا گرفتن تعهد مبنی بر همکاری مشترک؛

۳. تنظیم گزارش سفر با تمامی اجزای آن از جمله نقشه، آمار، طرح و غیره؛

۴. تشخیص دقیق راه‌های کسب امتیازات و بهره‌مندی بیشتر به ویژه در ابعاد اقتصادی.

بررسی سفرنامه‌های این افراد، نشان می‌دهد که گزارش‌های ارسالی آنها به اروپا و یا نوشته‌های روزانه آنها، بر محورهای ذکر شده قرار دارد. حتی مأموران سیاسی، از پرداختن به این امور غافل نبوده‌اند. مجموعه گزارش‌های این افراد، مواد و منابع اولیه اروپاییان را در مرحله بعدی شرق‌شناسی فراهم کرد. لذا حتی مأموران سیاسی و اقتصادی، موظف بودند تا گزارش دقیقی از اوضاع ایران را برای دولت‌مردان خویش ارسال نمایند. این برنامه، حتی در آخرین روزهای عمر سیاسی صفویه و در مأموریت سفیر پطرکبیر به دربار شاه سلطان حسین که اتفاقاً او تاج و تخت را به محمود افغان داده بود، دیده می‌شود.^۱

مطالعه سفرنامه‌های اروپاییان در دوره صفویه، با محوریت ایران‌شناسی و با هر مأموریتی که وارد ایران شده‌اند، نشان می‌دهد که توجه به فرهنگ و آداب و رسوم و اعتقادات و التزام‌های دینی و مذهبی ایرانیان، دو پایه اصلی گزارش‌های آنان را ترسیم می‌کند. این که این بررسی به صورت مقایسه‌ای با مردم عثمانی صورت گرفته یا بدون آن، جهت دیگری از ویژگی این سفرنامه‌هاست. لذا درشت‌نمایی نقاط ضعف و اختلاف و عمق‌بخشی به اختلاف‌ها، از مشخصات اصلی این سفرنامه‌ها محسوب می‌شود. گزارش‌های اروپاییان از جامعه و دولت شیعی صفوی، نشان می‌دهد که این مطالب با ویژگی‌های مثبت و منفی متعددی همراه است. از جمله:

۱. جوناس هنوی، *مجموع افغان و زوال دولت صفوی*، ترجمه اسماعیل دولت شاهی، ص ۱۵۹، انتشارات یزدان، تهران ۱۳۶۷.

- به جزئیات امور نیز توجه دارد؛

- مسائل مذهبی ایران، رکن اصلی و مشترک تمام گزارش‌هاست. در همین بخش، آنها به دلیل نبود درک صحیح از فلسفه عبادات و وظایف دینی مسلمانان، دچار اشتباهات زیادی هستند؛

- از حب و بغض خالی نیستند و صداقت آنها در بیان مطالب مشکوک است؛
- نبود تسلط دقیق برخی از آنها به زبان فارسی، گزارش‌های غلط را به همراه دارد؛

- جامعه آماری گزارش‌ها، تفاوت دارد؛ لذا استحکام و ضعف گفته‌های آنها نیز در نوسان است؛

- برخی اقوال عوام و شنیده‌های خود در کوچه و بازار را از اصول اساسی اسلام و تشیع شناخته‌اند؛

- بسیاری از گزارش‌ها بر پایه تازگی مسائلی بوده که دیده‌اند، اما در تشریح و تبیین آنها به اشتباه رفته‌اند.

نکته جالب توجه در این نوشته‌ها، این است که نقاط ضعف این سفرنامه‌ها و گزارش‌های رسیده را تقریباً در تمامی آنها می‌توان دید؛ به گونه‌ای که افرادی هم‌چون شاردن و کمپفر نیز که از دقیق‌ترین اروپاییان در این دوره بوده‌اند، گزارش‌هایی از این دست دارند. این مسأله به ویژه در امور مذهبی و اعتقادی، بیشتر دیده می‌شود- خواه به دلیل فقدان درک معانی و مفاهیم اعتقادات مذهبی مردم ایران و خواه برای تخریب چهره واقعی اعتقادات دینی مردم ایران بوده باشد.

برادران شرلی در ایران

رابرت شرلی و آنتونی شرلی، در میان اروپاییانی که در دوره صفویه به ایران سفر کرده‌اند، موقعیت ویژه‌ای دارند. آنها را می‌توان اولین سفیران سیاسی دولت انگلستان به دربار صفوی دانست که در تاریخ ۱۰۰۶ - ۱۰۰۷ قمری/ ۱۵۹۸ میلادی راهی ایران شدند.^۱ آنها که مدتی را در خدمت اِرنل آف اسکس، از

۱. نک: نصرالله فلسفی، *زندگی شاه عباس اول*، ص ۳۳، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۳؛ اوج بیگ بیات، *دوون ژوون ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۱۴-۱۵، بی‌نا، تهران ۱۳۳۸.

سرداران مقتدر انگلیسی، گذرانده بودند و در فعالیت‌های جنگی انگلیس در خاک هلند و فرانسه مشارکت داشتند، از سوی وی مأموریت یافتند تا برای جنگ با عثمانی‌ها، خود را در اختیار دولت ایران قرار دهند و علاوه بر آن، از دولت ایران برای بازرگانان انگلیسی، امتیازاتی بگیرند.^۱

پیش‌تازی آنها در مسافرت به ایران در میان اروپاییان، جای‌گاه آن دو نزد شاه عباس اول، مأموریت‌های سیاسی آنها در اروپا که از طرف شاه عباس به ایشان واگذار شد، مدت اقامت آنها در ایران و سفرنامه آنها، از مهم‌ترین دلایل اهمیت و موقعیت آنها در میان بیش از بیست اروپایی است که در دوران صفویه به ایران آمده و از خود گزارش به یادگار گذاشته‌اند. اگرچه *سفرنامه برادران شرلی*، به ماجراها و وقایع سفر و سخنان این دو برادر اشاره دارد که همراهانشان ثبت کرده‌اند، اما همان ویژگی‌های سفرنامه‌ها را دارد. از مجموع مطالبی که در مورد برادران شرلی و سفرنامه آنها بیان شد، به نظر می‌رسد که آنها از مشهورترین سفیران اروپایی در دوره صفویه، در تاریخ مناسبات سیاسی ایران به‌شمار می‌آمده‌اند و سفرنامه آنها نیز مشهورترین سفرنامه‌ای است که مأموران سیاسی درباره ایران نوشته‌اند.^۲

حضور برادران شرلی در ایران را در بحث شرق‌شناسی نیز می‌توان بررسی کرد. این دو برادر، قدم در راهی گذاشتند که مدتی قبل، تنی چند از مأموران سیاسی و بازرگانان ونیزی آن را پیموده بودند. نکته بارز در مقایسه بین سفرنامه ونیزی‌ها و سفرنامه شرلی، این است که هر دو دقیقاً در جهت تحقق اهداف شرق‌شناسان عمل کردند؛ به گونه‌ای که در هر دو گزارش، مطالبی در توصیف شهرها و روستاهای ایران و عثمانی، راه‌ها و امکانات بین‌راهی، اعتقادات و اختلافات مذهبی و قومی و قبیله‌ای و فرهنگ آداب رسوم این دو ملت دیده می‌شود. بر این اساس، برادران شرلی علاوه بر دو مأموریت یاد شده که به نوعی

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، ص ۶۴، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۷.

۲. منوچهر دانش‌پژوه، *بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی*، ص ۸۸، انتشارات دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر، اصفهان ۱۳۸۵.

یک مأموریت مقطعی و عاجل محسوب می‌شوند، موظف بودند تا با گزارش خود، اطلاعات لازمی را جمع‌آوری نمایند. که زمینه تعاملات بعدی و مسافرت‌های آینده اروپاییان را فراهم می‌کرد. شاید این‌گونه تصور شود که اطلاق عنوان شرق‌شناسان برای نسل اول اروپاییانی که در دوره صفویه به ایران آمده‌اند، در چهارچوبه شرق‌شناسان به معنای جدید آن، دقیق نیست. اما نباید فراموش کرد که در مرحله جدید شرق‌شناسی که با تصمیم شورای کلیسای وین در ۱۳۱۲ قمری آغاز شد، برنامه کوتاه‌مدت آنها در این جریان، مطالعه بهتر فرهنگ و معتقدات عرب‌ها و مسلمانان بود.^۱ در برنامه بلند مدت آنها، «فرا گرفتن زبان عربی، بهترین وسیله تبدیل دین اعراب [از اسلام به مسیحیت]»^۲ هدف نهایی آنان است. در تکمیل این نکته باید گفت که بنابر قولی، برادران شرلی قبل از آمدن به ایران، تعلیمات لازم را از پاپ اعظم در واتیکان فرا گرفته بودند.^۳ بر این اساس، مجموعه اطلاعات برادران شرلی از ایران و عثمانی که به قلم اطرافیان خود برای اروپاییان به یادگار گذاشته‌اند، نقشه راه و کتاب راهنمایی شد که دیگر اروپاییان با استفاده از آن، پا به راه گذاشته و با تکمیل اطلاعات، راه را برای اجرای مرحله دوم در فرآیند شرق‌شناسی اروپاییان هموار کردند. که هم‌راه با تهاجم نظامی و اشغال مستقیم و نیز کسب امتیازات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی یک طرفه بود.

دولت و جامعه شیعی صفوی در سفرنامه برادران شرلی

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، *سفرنامه برادران شرلی*، نتیجه اظهارنظرها و اقوال و اعمال و رفتار این دو برادر است که هم‌راهان آنها نوشته‌اند. این سفرنامه که به طور مشخص، نخستین سفرنامه اروپاییان در زمان شاه عباس اول است، نکات زیادی در توصیف و بررسی دولت و جامعه شیعی صفوی

۱. محمد نصیری، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، ص ۴۰، دفتر نشر معارف، قم ۱۳۸۵.

۲. شرق‌شناسی، ص ۵۹۲.

۳. محمود محمود، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیسی در قرن نوزدهم میلادی*، ج ۱، ۳ و ۲، انتشارات اقبال، تهران ۱۳۵۳.

دربردارد. در توصیفات برادران شرلی از موضوع مورد مطالعه آنها، همواره نگاهی فراتر از جامعه ایران نیز دیده می‌شود. توصیف و سپس مقایسه دو جامعه اسلامی ایران و عثمانی در قسمت‌های مختلف این سفرنامه وجود دارد. از این نظر، می‌توان مجموعه مباحثی را که از این سفرنامه و ذیل عنوان شرق‌شناسی دیده می‌شود، در سه زمینه از یک‌دیگر تفکیک و بازشناسی کرد: نخست. توصیف و تحلیل برادران شرلی از دین اسلام به طور عام و مقایسه دو جامعه شیعی ایران و تسنن عثمانی؛

دوم. بررسی اعتقادات مذهبی دولت و ملت ایران و برداشت خود از این اعتقادات؛

سوم. گزارش دقیق از رفتارهای اجتماعی جامعه ایرانی که داعیه مذهب تشیع داشتند.

در بررسی و بازشناسی قسمت نخست، هم ذکر مطالب واقعی را شاهد هستیم و هم کج‌فهمی و عناد و غرض آنها را می‌توان دید. لذا تأمل در مطالب آنها، امری ضروری است. انگیزه‌های غیراخلاقی و مخالف اصول انسانی جریان شرق‌شناسی جدید را در این بخش از نوشته‌های برادران شرلی می‌توان ره‌گیری کرد. اشاره به دین اسلام به عنوان دین رایج در ایران و عثمانی، وجود مساجد به عنوان عبادت‌گاه مسلمانان، تأکید بر وضو به عنوان ضرورت دینی برای مسلمانان قبل از ادای فریضه نماز، ذکر جمعه به عنوان روز مقدس بین مسلمانان، مسأله شهادت و اجر اخروی این عمل، مسأله حجاب در بین زنان مسلمان، و بیان تعدی و تجاوز به نوامیس به عنوان یک جرم شرعی در دین اسلام، از نکات مثبتی است که آنها درباره اسلام بیان کرده‌اند.^۱

در مجموعه این گزارش‌ها، اگرچه لغزش‌هایی نیز دیده می‌شود، تأکیدی بر تأیید یا رد آنها نیست و بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی دارد. اما همین اندازه که به ساختار مسجد در بین مسلمانان و مسأله نظافت به منزله یک واجب شرعی و برخی از احکام شرعی اسلام هم‌چون حجاب و حفظ حرمت نوامیس بدون

۱. نک: سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، ص ۵۰-۵۲ و ۶۵، انتشارات نگاه، بی‌جا، سال ۱۳۶۲.

غرض نگاه شده، پاسخ مناسبی است به دیگر شرق‌شناسان که در قرن یازدهم و دوازدهم قمری/ هفدهم میلادی، به ایران آمده و برداشتی نادرست از همین مسائل داشته‌اند.

اما در *سفرنامه برادران شرلی*، کج فهمی و غرض‌ورزی در ثبت گزارش آنها را نیز شاهد هستیم. نکته مهم در این بخش این که دیگر اروپاییان، شکل گزارش آنها را بعدها تقلید کردند و هیچ‌گاه، تلاشی صورت ندادند تا درک صحیحی از مسائل اسلامی به دست آورند. مهم‌ترین نمونه‌های این دست گزارش‌ها عبارتند از:

فراموش کردن روز جمعه در یک نوبت در خاک عثمانی توسط مسلمانان و روشن کردن چراغ دور مناره مساجد در شب‌های جمعه برای یادآوری جمعه و گم نکردن این روز؛^۱ اتهام غلام بارگی همیشگی به تمام افراد متشخص مسلمان؛^۲

محبوس کردن زنان در طول تابستان و نبود روابط زناشویی در این مدت بین مردان و زنان مسلمان؛^۳

اتهام به جامعه مسلمان عثمانی، مبنی بر اعتقاد به نبوت شخصی که در ایام مسافرت این دو برادر، در کوچه‌ها و معابر می‌نشسته؛^۴

ارزش‌زدایی از مقام شهادت تا حدی که اگر به دست همان مدعی نبوت ذکر شده، کشته می‌شدند، اجر شهید را دارند؛^۵

اتهام به عموم زنان مسلمان در ایران که مردان نامحرم را به سوی خود فرا می‌خوانند؛^۶

اختلاف‌افکنی بین ایران و عثمانی.^۷

۱. همان، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان، ص ۷۰.

۷. همان، ص ۹۸-۹۹.

توجه به گزارش‌های برادران شرلی در این زمینه، گویای آن است که پیش‌تازان شرق‌شناسی در ایران و عثمانی، در یک فضای سیاسی و با در نظر داشتن مأموریت اصلی خویش، در گزارش‌های خود دو جهت مختلف را پیموده‌اند: از یک‌سو، به نقل مشاهدات و شنیده‌ها پرداخته‌اند و از سوی دیگر، با میزان‌های خاص خود و باورهای کلیسایی، این مشاهدات را توصیف کرده‌اند، بدون آن‌که با محک عقل و اندیشه بسنجند و با انصاف و عدالت به قضاوت بنشینند.

دومین زمینه *سفرنامه برادران شرلی* در بررسی اعتقادات مذهبی ایرانیان، عموماً از نمونه‌هایی است که به خوبی می‌توان به آنها استناد کرد و با کمک آنها، به نقد نظریات دیگر جهان‌گردان اروپایی پرداخت. که بعدها از ایران دیدن نمودند، گزارش دقیق از پی‌گیری موضوع دست‌اندازی یکی از نوکرهای شاه به یک زن توسط شخص شاه و صدور دستور مجازات این نوکر و فرد دیگری که با وجود مشاهده صحنه، به کمک زن نمی‌آید،^۱ تأکید بر مجازات زانیه و عامل لواط،^۲ شرط اجرای صیغه شرعی (ازدواج موقت) برای زنانی که یک مرد علاوه بر زن اول خود اختیار می‌کند،^۳ تأکید بر حضو قلب در نماز به ویژه برای امامان جماعت در ایران و حرمت ماه رمضان و روزه‌داری و خودداری مردان معقول از شرب خمر^۴ و مقابله جدی با مسأله دزدی،^۵ نمونه‌های ارزش‌مندی از گزارش‌های این دو برادر از موقعیت مذهبی دولت و جامعه شیعی صفوی است.

در بخش دیگری از این *سفرنامه*، به نکته دیگری در اعتقادات مذهبی مردم ایران اشاره شده که در نوع خود جالب است. براساس گزارش آنها، هیچ‌کس نمی‌توانست به دروغ، ادعای سیادت کند و یا با استفاده از سیادت خویش بر

۱. همان، ص ۸۸-۸۹.

۲. همان، ص ۹۲.

۳. همان.

۴. همان، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۹۷.

دیگران برتری جویی نماید. در غیر این صورت، با سخت‌ترین مجازات مواجه می‌شد که جدا شدن سر از بدن بود.^۱

این بخش از گزارش‌های این دو برادر، تصویری واقعی از تاریخ‌نگاری مبتنی بر صداقت و واقعیت‌های تاریخی است. تحلیل مسائل دولت و جامعه شیعی صفوی و تبیین آنها بنابر قواعد علمی، از خلال این گزارش‌ها دقیق‌تر به نظر می‌رسد. در خلال همین گزارش‌ها، به موارد دیگری از جمله مسأله مجالس لهو و لعب و شرب خمر نیز برمی‌خوریم که تفکیک بین موقعیت‌های مختلف در دولت صفوی را نشان می‌دهد. بدون آن‌که قصد تطهیر خلاف‌های شرعی دستگاه سلاطین صفوی را داشته باشیم، می‌توان گفت: بزرگ‌نمایی، غرض‌ورزی، اتکا به شنیده‌ها و اطمینان به آنها، مهم‌ترین دلایل گزارش‌های خلاف واقعی است که شرق‌شناسان از ایران عصر صفوی به جا گذاشته‌اند. هم‌چنین استفاده از نوشته‌های آنها و نگاهی مقایسه‌ای و تحلیلی به دیدگاه‌هایشان، تا حد زیادی می‌تواند از واقعیت‌های تاریخی دولت و جامعه آن زمان ایران پرده بردارد. ناگفته نماند که حتی افرادی هم‌چون برادران شرلی نیز در برداشت از ادبیات و فرهنگ جامعه شیعی صفوی اشتباهات متعددی دارند، ضمن آن‌که برخی اقدامات مردم در حوزه مسائل مذهبی نیز می‌توانسته موجب این اشتباه شود. مهم‌ترین اشتباه برادران شرلی در این بخش، اظهار نظر آنها در مورد مسأله پرستش و جای‌گاه زن در بین ایرانیان است. در سفرنامه آنها می‌خوانیم: ایرانی‌ها ایمان به خدای واحد و مرتضی علی دارند و محمد را پیغمبر بزرگ بزرگ می‌دانند.^۲

در جای دیگر، چنین ادعا می‌کنند:

ایرانی‌ها اگرچه زن‌ها را محترم می‌دانند ولی چنین تصور می‌کنند که آنها برای اسیری و بلهوسی مردها خلق شده‌اند.^۳

۱. همان، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۹۳.

۳. همان، ص ۱۶۲.

این دو نمونه اظهار نظر را به همین شکل در سفرنامه‌های بعدی اروپاییان نیز می‌توان دید که تأثیر دیدگاه برادران شرلی را بر دیگر جهان‌گردانی نشان می‌دهد که در این دوران به ایران آمده‌اند.

برادران شرلی، هم‌چنین دولت و به ویژه جامعه شیعی صفوی را از منظر جامعه‌شناسی رفتارهای اجتماعی بازکاوی کرده‌اند. اگرچه نتیجه این اقدام آنها ترکیبی از مطالب درست و برداشت‌های نادرست است، در نوع خود و به منزله اولین گزارش و این‌که آنها مأموران سیاسی بودند و طبعاً ارتباط کمتری در مقایسه با اروپاییان بعدی با مردم داشته‌اند، جالب است. در این زمینه، از خوش رفتاری و مهمان‌نوازی مردم،^۱ تا امنیت راه‌ها و نظارت سربازان صفوی بر راه‌ها سخن گفته‌اند. مسأله سوگند خوردن، استخاره و خودآزاری در مراسم‌های مذهبی، از نکات جالب توجه در رفتارهای دولت‌مردان و مردم ایران عصر صفوی است که با اعتقادات دینی آنها مرتبط بود. سوگند خوردن به مثابه تضمین اقدامی در مقابل دیگران و قداست نام حضرت علی علیه السلام در این زمینه، به گونه‌ای که «پادشاه به سر مرتضی علی قسم خورده»،^۲ استفسار مردم از علما و افراد مقدس جامعه در مورد وقایعی که ممکن است در طول سفری که در پیش دارند، رخ دهد^۳ و مجروح کردن بدن در روز شهادت حضرت علی علیه السلام،^۴ نمونه‌هایی از رفتارهای دولت و جامعه شیعی صفوی است که برادران شرلی، به دقت به آنها توجه داشته‌اند. در همین زمینه، اشاره‌های مکرر آنها به وجود مراسم‌هایی توأم با رقص، آواز، شراب،^۵ مرسوم بودن این اعمال در پذیرایی‌های رسمی و آلوده بودن دربار صفوی را نشان می‌دهد. اما در گزارش‌های این دو، از رواج اعمال منافی عفت در سطح جامعه گزارشی نمی‌بینیم تا جایی که تعدد زوجات که در گزارش‌های دیگر اروپاییان، مصداقی

۱. همان، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۸۴.

۳. همان، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۷۳، ۱۵۱، ۱۵۴ و ۱۵۸.

برای رواج نابهنجاری فساد در جامعه بیان شده، در گزارش برادران شرلی، با حکم صیغه شرعی معنا می‌یابد.

نتیجه

سفر برادران شرلی در سال‌های آغازین قرن یازدهم قمری / هفدهم میلادی و توقف طولانی‌مدت آنها در ایران و موقعیت این دو در دولت صفوی، نقطه عطفی در جریان تلاش جهان مسیحیت و دولت‌های اروپایی برای آشنایی و شناخت دقیق از ایران بخشی مهم و تأثیرگذار از مشرق‌زمین به‌شمار می‌آید که اصطلاحاً شرق‌شناسی نامیده می‌شود. برادران شرلی، ضمن آموزش‌های قبلی و دریافت سفارش‌ها و توصیه‌های لازم، با دامن‌زدن به اختلاف در جهان اسلام که از طرح‌های اصلی در جریان شرق‌شناسی است، گزارشی از دولت و جامعه شیعی صفوی از خود باقی گذاشتند که ترکیبی از واقعیت‌های تاریخی و برداشت‌های نادرست و غرض‌ورزی‌هاست. اما تا آن‌جا که به اعتقادات شیعیان و دولت صفوی مربوط می‌شود، خواسته یا ناخواسته، مطالبی را بیان کرده‌اند که ضمن ترسیم چهره واقعی اعتقادات ایران آن زمان، استنادهای بسیار مهمی است که با کمک آنها می‌توان به نقد نظریات دیگر شرق‌شناسان اروپایی پرداخت. که در همان دوره به ایران سفر کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. بیات، اروج بیگ، *دون ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۸.
۲. دانش‌پژوه، منوچهر، *بررسی سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی*، اصفهان، دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.
۳. زعیتیر، اکرم، *سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار*، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۴. سعید، ادوار، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۵. سیوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
۶. فلسفی، نصراله، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۷. محمود، محمود، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، جلد اول، تهران، اقبال، ۱۳۵۳.
۸. نصیری، محمد، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
۹. نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۱۰. نوذری، عزت‌اله، *اروپا در قرون وسطی*، شیراز، نوید، ۱۳۷۳.
۱۱. ولایتی، علی اکبر، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، جلد چهارم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۱۲. هنوی. جوناس، *هجوم افغان و زوال دولت صفوی*، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران، یزدان، ۱۳۶۷.
۱۳. هوشنگ مهدوی، *عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۴. _____، *سفرنامه برادران شِریلی*، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، بی‌جا، انتشارات نگاه، ۱۳۶۲.